

بسم الله الرحمن الرحيم

آیت الله علیدوست در برنامه آفتاب شرقی

اصول اخلاق اجتماعی جلسه دهم

نقش زبان در صلاح و تباهی - گناهان زبان

ما تحت عنوان حاکمیت قول سدید مطالبی را بیان کردیم

من دوست دارم روی این نکته تاکید کنم که همه دوست داریم که قول سدید داشته باشیم و این را هم میدانیم که گفتار بخشی از عمل و مهم تر این که بخشی از شخصیت ما است. ممکن است سوال شود که راه حل این جریان چیست و چه کار باید کرد؟ از کجا باید شروع کرد؟ من فکر می کنم روایات ما این راه حل را پیش پای ما گذاشته اند. در متون دینی ما بیشترین تاکید بر کنترل زبان هست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: لا یستقیم ایمان عبد حتی یستقیم قلبه و لا یستقیم قلبه حتی یستقیم لسانه و نتیجه می گیریم لا یستقیم ایمان عبد حتی یستقیم لسانه ... یعنی پرونده از زبان شروع می شود اگر بخواهد تباه شود یا اصلاح شود. در یک بیانی امام سجاد علیه السلام همین مفاد را این گونه بیان می کند، زبان هر روز صبح به سایر اعضا می گوید چه طور هستید؟ کیف اصبحتم؟ اعضا هم می گویند: بخیر ان ترکتنا اننا نثاب بک و نعاقب علیک ؛ ما از طریق تو ثواب یا عقاب می بینیم. این بیان حضرت گرچه سمبلیک بیان شده است اما بزرگان تاریخ همواره سعی کرده اند که گناهان مربوط به زبان را جمع آوری کنند از جمله غزالی بیست گناه زبان را بیان می کند. ما باید به ظرفیتهای زبان هم توجه کنیم و همیشه هم نگاه سلبی نداشته باشیم ما با زبان تبلیغ دین خدا می کنیم یا مرادمان را می فهمانیم. ما با زبان با دیگران ارتباط برقرار میکنیم. البته با همین زبان هم تملق و چاپلوسی می کنیم و غیبت و تهمت داریم و ... اشاعه فحشا میکنیم و ... و در تفسیر نمونه هم تا مرز سی رسانده اند و بنده هم مواردی به ذهنم رسیده است که تا سی و هشت گناه رسیده است. اظهار شرک و یا ایجاد شک را این ها نگفته اند که این ها هم می تواند از گناهان زبان باشد. شکایت از قضا و قدر الهی، این که انسان ناسپاسی کند و این را هم ابراز کند و اظهار نماید. یا فتوا میدهد بدون آگاهی یا قولی را بیان میکند بدون آگاهی ... حتی گاهی ممکن است قضاوت کند بدون آگاهی البته ممکن است قضاوتش هم صحیح باشد اما بدون علم است. به نظرم برای شروع قول سدید باید از کنترل زبان شروع کرد؛ مهم این نیست که ما حرف نزنیم مهم این است که حرف بزنیم اما کنترل کنیم و معقول و بجا حرف بزنیم و هر حرفی را هم بیان نکنیم. این که حرف نزنیم که می شود تقوای منفی ؛ اما انسان صحبت کند اما معقول و بجا صحبت کند این معیار و صحیح است.

مجری: آیا این هنر است که در یک جمعی که همه دارند صحبت می کنند من ساکت باشم؟ و به عبارتی سکوت ممدوح کدام است؟

جواب: همه این ها را من تعبیر می کنم به مدیریت صحنه دانش و دین هم نمی خواهد. انسان باید به دیگران احترام بگذارد عبوسا قمطریرا نباشد. هیچکس تا حالا نیامده که ادعا کند که پیامبر در رفتار و اخلاق خود به گونه ای بود که خودش را می گرفت و به اصطلاح مغرور بود! به هر حال ضمن این که باید هنر ساکت بودن را تمرین کرد، کاردینال توران رفتارش با مسلمانان خوب بود و در آتش سوزی قرآن هم موضع

گیری کرد و مخالف بودو اعتراض کرد و در جلسه ای هم که د رتهران برگزار شد سخنرانی خود را با نامه مالک اشتر شروع کرد.....و در صحبتهای خود به هنر ساکت بودن اشاره دارد.....

مجری: ما در زندگی با صحنه هایی مواجه هستیم که ما را سوق میدهد به اینکه از ما خطایی در زیان از ما سرزند ما چطور باید این امر را مدیریت کنیم؟

ما باید یک تحلیلی این جا داشته باشیم ؛ در ابتدا باید به چهار نکته اشاره کنم ، اول این که یک سری گناهان زیان هست که خرج ندارد زیرا خرج داشتن بسیاری از گناهان مانع انجام آن ها ست .دوم این که گناهان زیان توجیه پذیر است کما این که برای گناهی مثل غیبت حدود شانزده توجیه وجود دارد که ما بر اساس آن ها راحت غیبت می کنیم.و همانطور که قبلا هم بیان کردم شیطان رانده شده صرفا سجده نکردنش نبود، او رانده شده توجیه گنااهش بود.و توجیه باعث عدم توبه است نکته سوم این که گناهان زیان ترس دنیایی ندارد و نکته چهارم این که گناهان زیان زشتی خود را از دست داده است.پیامبر می فرماید: الغیبة اشد من الزنا ولی به راحتی غیبت می شود اما زنا ...نه.

یا مسائلی که در تبلیغات انتخابات انجام می شود به راحتی تهمت زده می شود یا به راحتی غیبت می شود وبعد هم توجیه می کنیم ممکن است که گفته شود دنیا به این شکل تبلیغ انتخابات می کند صحبت سر این است که آنها لایستقیم ایمان عبدحتی یستقیم لسانه را ندارند.یک کاندیدا بیاید و برنامه های خود را بیان کند و کلیات ابوالبقا هم نگوید چرا باید تهمت و غیبت و ...افترا و ..در کار باشد؟و البته باید مردم را هم این مقدار حساب کرد که خود بتوانند تشخیص دهند و بین کاندیداها بهترین را انتخاب کنند.ما اگر اخلاق را بالا ببریم و از ایران هم تکان نخوریم موفق بوده ایم.و اخلاق هم یک امری است که یک جا نمی ماند و به هر جایی که باید سرایت می کند مثل نور ...مثل آب ...به هر حال اگر دنیا را هم بگیریم و د راخلاق مشکل داشته باشیم کاری نکرده ایم. ما که ماکیاولیست نیستیم که بخواهیم به هدف برسیم ولی به هر شکل و توجیهی.و این را بدانیم که اگر اخلاق را نهادینه کنیم ما برای دنیا پیام داریم.و الا نه ما با کشورگشایی برای دنیا پیغام داریم نه با بمب اتم و نه با بداخلاقی فقط و فقط با خوش اخلاقی است که میتوانیم به دنیا پیام دهیم.و چیز نویی که دنیا می تواند از ما داشته باشد همان اخلاق نیک است و این یک سرمایه است .

نقل است از میرزای شیرازی که آن زمان در سامرا که ایشان خود به خرید می رفت در بازار وقتی تصمیم داشت چیزی بخرد و دست به جیب برد دید که دزد جیب او را زده است؛ فورا آمد که بگوید خدا لعنت کند کهبه کلمه لعن که رسید دیگر چیزی نگفت وقتی از او علت این امر را پرسیدند گفت به این دلیل که احتمال دادم شخصی که دزدی کرده نیازمند بوده است.این ها پیام دارد اینها درس است.اگر ما به این ها نگاه کنیم به قول سدید می رسیم و اتفاقا راحت هم هست.می توان عادت به خوبی پیدا کرد همان طور که برخی معتقدند که نمی شود راست گفت برخی بر این عقیده اند که مگر می شود راست نگفت؛ از مرحوم آقا شیخ عبدالکریم حائری نقل شده که گفته بود مگر می توان دروغ گفت؟

مجری: عملکرد امام علی علیه السلام د رآن شورای پنج نفره که زمان خلیفه دوم تشکیل شده بود و در آن از امام علی علیه السلام خواسته بودند که هم به سنت و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل کند وهم به سنت و سیره شیخین و امام علی این را رد کردند و نپذیرفتند من علت آن را این میدانم که حضرت

می خواهند به تاریخ درس عدم توجیه بدهند و راست گویی و لو به قیمت از دست رفتن شانس حکومت چند روزه باشد را به تاریخ تدریس می کنند در واقع حضرت برای تاریخ پیام میدهد و صرف آن حادثه نبوده است.

جواب: من معتقدم امام علی علیه السلام برای حکومت کردن نیامده بود برای ارائه یک مدل حکومتی آمده بود که این سند و حجت شود برای همیشه تاریخ و شد. و یا در حادثه عبیدالله که به خانه هانی بن عروه آمده بود و قرار بود مسلم او را ترور کند اما این کار را نکرد دلیل این کار این بود که بنا هست یاران امام حسین علیه السلام به تاریخ درس بدهند که دوست ندارند پایه های حکومت امامشان بر یک بدعهدی استوار باشد و لو این بدعهدی در حق دشمن اهل بیت عصمت و طهارت باشد و این یک درس بسیار بزرگ تاریخی است به همه دنیا.